

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یا علی

فیا:

مجموعه آثار امامت و ولایت
ویژه مناسبت های ماه ذی الحجة الحرام
جلد اول
مباهله بالاترین فضیلت قرآنی

شناسنامه کتاب

نام کتاب:.....مباهله، بالاترین فضیلت قرآنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

تیراژ:

قیمت:

ناشر:.....

نوبت چاپ:.....اول

مباحثه

بالاترين فضيلة قرآنى

امير المؤمنين على عليه السلام

تقديمه به احياء كَرِ خديِر

حضرت حجت بن الحسن العسكري

عجل الله تعالى فرجه الشريف

مبانی

بالاترین فضیلت قرآنی

مقدمه

فضائل بی شمار حضرت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام عالم هستی را فرا گرفته و تمام موجودات از جن و انس و ملک را سرگشته و حیران خود نموده است. آیات متعدد قرآن و روایات متواتر فراوان، سندی گویا بر این مطلب است. از آیه ولایت^۱ تا آیه اطاعت^۲، از آیه محبت^۳ تا آیه مودت^۴، از آیه تبلیغ^۵ تا آیه تطهیر^۶، از آیه اکمال^۷ تا آیه انذار^۸، از آیه مؤذن^۹ تا آیه اذان^{۱۰}، از آیه صادقین^{۱۱} تا صالح المؤمنین^{۱۲}، از سوره دهر^{۱۳} تا لیلۃ المبیث^{۱۴} نشانه هایی از فضائل بی انتهای مولا علی علیه السلام در کتاب خداوند حکیم، قرآن مجید است. اما در میان فضائل قرآنی امیرالمؤمنین علیه السلام طبق فرمایش حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و السلام

۱. مائده/۵۵.
۲. نساء/۵۹.
۳. مریم/۹۶.
۴. شوری/۲۳.
۵. مائده/۶۷.
۶. احزاب/۳۳.
۷. مائده/۳.
۸. رعد/۷.
۹. اعراف/۴۴.
۱۰. توبه/۳.
۱۱. توبه/۱۱۹.
۱۲. تحریم/۴.
۱۳. انسان/۸.
۱۴. بقره/۲۰۷.

بالاترین فضیلت، «آیه مباهله» است. اما به راستی چرا این آیه، بالاترین فضیلت قرآنی امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی شده است؟. با مطالعه مجموعه حاضر که در صفحاتی مختصر به این فضیلت برتر اشاره شده به این سؤال و ده ها سؤال دیگر پاسخ داده شده است. گرچه معتقدیم این صفحات کوتاه از این فضیلت گویا، تنها قطره ای از اقیانوس بی کران و موج فضائل حضرت علی علیه السلام، یگانه وصی، نفس نبی صلی الله علیه و آله و سلم است و عاجزانه اعتراف می کنیم که:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنند سر انگشت و صفحه بشمارند

آیه مباهله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ^{۱۰}.

هرگاه بعد از علم و دانشی که برای تو آمده، (درباره حضرت عیسی) با تو مجادله کردند، بگو: بیاید پسران ما و پسران شما و زن های ما و زن های شما و آن را که به منزله جان ما و جان شما باشند، دعوت کنیم. آن گاه در حق یکدیگر نفرین نماییم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.

حدیث مباهله

متن حدیث مباهله که همان شأن نزول «آیه مباهله» است در منابع مختلف حدیثی، تفسیری، تاریخی و کلامی پیروان اهل بیت علیهم السلام و حتی مکتب خلفاء به صورت متواتر نقل شده و از مسلمات و متواترات است.

معنای مباهله

^{۱۰}. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

گفتگوی دو طرفه در شرایط مختلف بر وزن مفاعله است. این گفتگو ممکن است در شرایط عادی (مجاوزه) شروع شود و به آخرین مرحله خود، مباحثه برسد. برخی از انواع گفتگوهای طرفینی در شرایط مختلف عبارتند از:

مجاوزه: گفتگوی عادی بین دو طرف در شرایط معمولی

مباحثه: گفتگوی دو طرفی همراه با بحث علمی

مناظره: گفتگوی رو در روی و نبرد نظری با سخن و خطابه

مجادله: گفتگوی دو طرف به صورت جدی تر همراه با خصومت و دشمنی

مجاجه: گفتگوی دو طرف همراه با حجت و استدلال و اقامه دلیل

و به همین صورت مناقشه، مکابره، مخاصمه و... که وجه مشترک همه آن ها برتری طلبی دو طرف بر طرف دیگری است. حتی در مشاعره نیز نوعی برتری طلبی به وسیله شعر است. اما در هیچ یک از موارد فوق، دو طرف حاضر نیستند برای اثبات نظر خویش جان خود را در میان بگذارند مگر در مباحثه!

بنابراین مباحثه نوعی دعای خاص همراه با ناله و زاری است که شخص با اصرار و پافشاری بر لعن و نفرین، از خداوند می خواهد تا عذاب را بر طرف مقابل خود که او را ستمگر می داند نازل کند. و نکته دیگر در مباحثه این است که وقتی دو طرف همه راه های فوق را از مناظره و مجادله و مجاجه و... طی نمودند و نتوانستند طرف مقابل خود را قانع سازند با قرار دادن جان خود، حتی عزیزان خود در میان، از خدا می خواهند هر کسی که ناحق و باطل می گوید را نابود سازد.

مختصری از حکایت مباحثه

مباحثه در تاریخ اسلام برای اولین مرتبه میان پنج تن آل عبا علیهم السلام و مسیحیان نجران به وقوع پیوست. و آن زمانی بود که مسیحیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت آیین اسلام به مناظره و بحث و جدل پرداختند و هنگامی که سخن از حضرت عیسی علیه السلام به میان آمد با ردّ توحید، حضرت عیسی را خدا و فرزند خدا نامیدند و در اعتقاد باطل خود پافشاری نموده و استدلال های روشن خداوند در قرآن را رد نموده، به مخاصمه و مجادله و مجاجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداختند. در این هنگام بود که

خداوند متعال در برابر لجاجت عالمان مسیحی به رسول خود دستور داد تا با آوردن عزیزان خود به میدان مباحله، حقیقت توحید و حقانیت اسلام و نبوت خویش را ثابت کند. اما مسیحیان نجران که در ابتدا، مبارزه با رسول حق را به وسیله مباحله پذیرفته بودند با دیدن چهره های نورانی اهل بیت علیهم السلام و آشکار شدن آثار عذاب الهی از مباحله دست کشیده و خواستار مصالحه شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با پذیرفتن مصالحه به جریان مباحله خاتمه دادند. در نتیجه جمعی از کشیشان مسیحی در همان لحظه به حقانیت اسلام و حقانیت خاتم الأنبياء اعتراف نموده و مسلمان شدند و مابقی به نجران بازگشتند. این گونه بود که پس از درهم شکسته شدن پایگاه یهود در مدینه و پایگاه شرک در مکه، پایگاه مسیحیت نیز در نجران، بدون جنگ و خون ریزی فرو ریخت و دین اسلام ناب برتری یافت.

زمینه های به وجود آمدن مباحله

پس از فتح خیبر در سال هفتم هجری و فتح مکه در سال هشتم هجری، قدرت اسلام در سراسر حجاز بلکه سراسر دنیای آن روز مورد توجه قرار گرفت و همین امر بستر مناسبی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراهم نمود تا با اعزام نمایندگان ویژه و ارسال نامه برای رهبران سیاسی و مذهبی جهان، آن ها را به پذیرش اسلام و یا به رسمیت شناختن حکومت اسلامی و التزام به مقررات آن فراخوانند.

در سال نهم هجری و در پاسخ به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نمایندگان کشورهای، قبائل و طوایف مختلف به سوی مدینه روان شدند. به همین دلیل سال نهم هجری در تاریخ اسلام به «عام الوفود» نام گذاری شد^{۱۶}.

اهمیت نجران

نجران از نظر جغرافیایی در ۸۰۰ کیلومتری جنوب مکه و ۱۴۰۰ کیلومتری مدینه النبی قرار داشت، به گونه ای که شهر مکه (پایگاه شرک) مابین مدینه (پایگاه اسلام) و نجران (پایگاه مسیحیت) قرار داشت. بنابراین مسیحیان نجران خود را در حاشیه امن می دیدند و گمان نمی کردند قدرت اسلام توانایی رویارویی با آنان را داشته باشد. اما

^{۱۶}. سالی که هیئت های گوناگون برای عرض اسلام یا عهد و قرار داد خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند.

فتح قلعه های خیبر توسط حیدر کرار امیرمؤمنان علی علیه السلام و فروپاشی پایگاه یهودیان در مدینه از یک سو و فتح مکه آن هم بدون جنگ و خونریزی از سوی دیگر، موانع پیش روی مسیحیان را برداشت. به همین دلیل با ابلاغ نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نجران، عالمان مسیحی با تشکیل جلسات متعدد مشورتی در کلیسا، گزینه جنگ و درگیری با مسلمانان را حذف نموده و راهی جز تعامل با قدرت روز افزون اسلام را در برابر خود ندیدند.

ورود نجرانیان به مدینه

مسیحیان نجران در قالب یک هیئت ۸۰ نفره، مرکب از اسقف اعظم کلیسای نجران، راهبان و کشیشان و رؤسای قبائل نجران در روز ۱۸ ذی الحجه سال نهم هجری (یک سال قبل از غدیر خم) وارد مدینه شده و به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شدند و طی شش روز به بحث و گفتگو با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیرامون مسائل مختلف از جمله الوهیت حضرت عیسی پرداختند.

موضوع مورد مناقشه

مهم ترین موضوع مورد بحث بین نجرانیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت عیسی علیه السلام بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را بنده خدا می دانستند ولی مسیحیان ایشان را خدا یا پسر خدا می دانستند. دلیل آن ها بر الوهیت حضرت عیسی علیه السلام معجزات فراوان، زنده کردن مرده ها و مهم تر از همه ولادت ایشان بدون نیاز به پدر بود. اما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این کارها به اذن الهی صورت گرفته و معجزات نبوت است و اما خلقت حضرت آدم از خلقت حضرت عیسی عجیب تر بود چرا که اگر حضرت عیسی بدون پدر متولد شد، حضرت آدم بدون پدر و مادر خلق شد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیاتی از سوره آل عمران را پیرامون حضرت عیسی، معجزات و خلقت ایشان نازل نمود:

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ^{۱۷}

^{۱۷}. آل عمران/۵۹ و ۶۰.

قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان آدم است، که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود زنده] باش؛ پس بی‌درنگ [موجود زنده] شد. حق از [ناحیه] پروردگار توست؛ بنابراین از تردیدکنندگان مباش.

رفته رفته گفتگوهای عادی به مناظره و جدال و مناقشه منتهی شد و آنان منطبق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و استدلال زیبای خداوند متعال در قرآن را نپذیرفتند. به دنبال این مباحث، حدود ۷۰ آیه پیرامون همین موضوع نازل شد^{۱۸}. اوج داستان نزول آیه مباهله و دعوت از نجرانیان برای مباهله بود.

دعوت به مباهله

فرازهای قابل توجه آیه مباهله عبارت است از:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ»

ای پیامبر ما! اگر مسیحیان نجران پس از این همه بحث و مناظره پیرامون حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام و استدلال های مهم و متین پیرامون آن حضرت، هم چنان به لجاجت خود ادامه دادند، راه دیگری در ادامه دعوت آن ها به سوی حق انتخاب کن و با آنها مباهله کن.

«فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»

پیامبر ما! به آن ها بگو که از سوی هر يك از طرفین مباهله، باید سه گروه در این مراسم شرکت کنند:

۱. فرزندانمان و فرزندان شما.

^{۱۸} . بحار الأنوار ، ج ۲۱ ، ص ۳۳۷: فنزل علی رسول الله من صدر سورة آل عمران نحو من سبعین آیه یتبع بعضها بعضا

۲. زنان ما و زنان شما.

۳. نفوس ما و نفوس شما. یعنی رؤسای مسلمین، و رؤسای مسیحیان.

«ثُمَّ نَبْتَهِّلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»

پس از این که افراد خاصی از طرفین جهت مراسم مباهله حاضر شدند، مباهله به این شکل انجام می‌شود که هر کس دروغ بگوید و در ادعای خود کاذب باشد، به لعنت و عذاب الهی گرفتار شده تا بدین وسیله حقیقت برای مردم روشن شود^{۱۹}.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امر الهی مسیحیان را دعوت به مباهله نمودند. طرفین موافقت کردند که در روز ۲۴ ذی الحجه سال ۹ هجری جهت انجام مباهله حاضر شوند. روز موعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام به همراه او حرکت می‌کردند به محل مباهله حاضر شدند.

با توجه به آن که واژه «ابنائنا و نسائنا و انفسنا» جمع هستند و حداقل جمع سه نفر می باشد، باید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز حداقل ۹ نفر را با خود به میدان مباهله می آوردند. اما تنها ۴ نفر را می آورند آن هم به امر خدا و این نشان می دهد که تنها همین چهار نور مقدس مصداق اهل بیت علیهم السلام بوده و با آمدن آنان امثال امر و فرمان الهی محقق شده و از طرفی دیگران نیز واجد صلاحیت لازم برای حضور در این مبارزه معنوی نبودند^{۲۰}.

نحوه حضور اهل بیت علیهم السلام در میدان مباهله

بنا بر نقل برخی اخبار، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قصد مباهله با مسیحیان نجران را نمودند، حسین علیه السلام را در آغوش خود گرفته و دست حسن علیه السلام را در دست

^{۱۹} آیات ولایت در قرآن، ص: ۲۰۲

^{۲۰} حضرت آیه الله جوادی آملی و نیز ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص: ۳۵۶.

خود داشتند. فاطمه سلام الله علیها پشت سر آن حضرت و علی علیه السلام پشت سر فاطمه سلام الله علیها حرکت می کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان می فرمودند: هرگاه دعا کردم آمین بگویند ۲۱.

و به راستی چه فضیلتی برتر و بالاتر از این برای اهل بیت علیهم السلام که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دعای خویش از آنان یاری جوید و آن ها را واسطه میان خود و خدایش قرار دهد؟

نزول آیه تطهیر در جریان مباهله

در روز مباهله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، عبایی بر دوش مبارک انداخته و امیرالمؤمنین و فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را در زیر عبای مبارک خود جمع نموده و عرض کرد پروردگارا! هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق به او بوده اند. خداوندا! اینان اهل بیت منند پس شک و گناه را از ایشان برطرف کن و ایشان را (از هر گونه پلیدی) پاک کن ۲۲. در این هنگام جبرئیل امین نازل شد و آیه تطهیر را در شأن ایشان، فرود آورد ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ همانا خداوند می خواهد از شما، خاندان پیامبر، پلیدی را ببرد و شما را پاک کند، پاکیزگی کامل و طهارت مطلق ۲۳.

آیا مباهله انجام شد؟

شیعه و سنی متفق القولند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود به میعادگاه بردند. وقتی هیئت نمایندگان نصرانی نجران، وارستگی پیامبر را مشاهده کرده و دیدند آن حضرت با ایمانی راسخ به قدری مطمئن است که تنها بهترین و نزدیک ترین

۲۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۸ کتاب الفضائل، صحیح الترمذی، ج ۲، ص ۲۶۶ و ۳۰۰، مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵، تفسیر الطبری، ج ۳، ص ۲۱۲ و ۲۱۳، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۲۱، التاج الجامع للاصول، ج ۴، ص ۸۴، مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۵۰. روایات این مطلب در کتب تفسیر، متواتر است.

۲۲. صحیح مسلم، باب فضائل صحابه، ج ۴، ص ۱۸۷۱ و صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۵۴.

۲۳. سوره احزاب، آیه ۳۳.

عزیزان خود را به میدان مباحله آورده است، سخت بیمناک شدند و از مباحله خودداری کردند و از ایشان خواستند تا اجازه دهد آنان با پرداخت جزیه و مالیات، تحت حکومت اسلامی، بر آیین خود، باقی بمانند. اسقف اعظم مسیحیان وقتی صحنه حضور با شکوه و با هیبت اهل بیت علیهم السلام را در میدان مباحله مشاهده کرد، چنین گفت:

«من صورت هایی می بینم که اگر دعا کنند حتماً به هدف اجابت می رسد و همه شما نابود می شوید. از مباحله خودداری کنید و اعلان کنید که حاضریم به صورت يك اقلیت سالم در کنار شما زندگی کنیم و مالیات لازم را نیز می پردازیم.» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواسته آنها را پذیرفت و از مباحله صرف نظر کرد.

آنان متوجه شده بودند که در صورت مباحله احدی از آنها زنده نخواهد ماند، بنابراین مصالحه با پیامبر خدا و پرداخت جزیه را ترجیح دادند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را خواستند و به ایشان فرمودند: با دست مبارک خود صلح نامه ای بر اساس توافق صورت گرفته بنویسند و امیرالمؤمنین علیه السلام دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انجام داده و در آخر نوشتند: کتبه علی بن ابی طالب^{۲۴}.

ابعاد مختلف مباحله

- مباحله، از سویی حقیقت ربوبیت و توحید خداوند متعال
- حقایق اسلام به عنوان برترین دین
- حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم الأنبياء
- عظمت بی نظیر آل عبا به عنوان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

^{۲۴} . اسرار مباحله، ص ۱۶۷، به نقل از مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۲، ص ۴۹۳.

• و در نهایت فضیلت، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را ثابت می‌کند.

در کنار این همه عظمت و برتری، مباحله توانست عالم مسیحیت را برای همیشه در برابر منطق اسلام وادار به عقب نشینی و تسلیم نماید.

همراهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مباحله

مرحوم قاضی نور الله شوشتری، در کتاب ارزشمند، احقاق الحق، می‌فرماید:

اجمع المفسرون علی ان «ابناءنا» اشاره الی الحسن و الحسین علیهما السلام و «نساءنا» اشاره الی فاطمه علیها السلام و «انفسنا» اشاره الی علی علیه السلام

مفسران قرآن مجید (از شیعه و اهل سنت) اجماع و اتفاق نظر دارند که منظور از «ابنائنا» حسن و حسین علیهما السلام، و مراد از «نساءنا» فاطمه زهرا علیها السلام و منظور از «انفسنا» علی علیه السلام می‌باشد.

آیه الله مرعشی نجفی رحمه الله علیه در پاورقی این کتاب از حدود شصت کتاب اهل سنت همین مطلب را نقل می‌کند ۲۵.

واژه «انفسنا» و عظمت امیرالمؤمنین علیه السلام

آن چه عظمت در آیه مباحله وجود دارد یک طرف و عظمت امیرالمؤمنین علیه السلام در این آیه نیز یک طرف ماجراست. چرا که خداوند متعال از امیرالمؤمنین علیه السلام، به نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تعبیر نموده است!.

حالی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تنها دو پسرش را فرا خواند. و «نساء» را با لفظ جمع آورده است در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها دخترش را فرا خواند. بنابراین منظور از انفسنا در حقیقت، مقصود، تنها نفس خود پیامبر است. پس آن فضیلتی که ذکر کردید، برای امیر المؤمنین علیه السلام نمی باشد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: آن چه گفتم صحیح نیست و دعوت کننده در آیه، کسی است که دیگری را دعوت کند چنان که فرمانده نیز باید به دیگری فرمان دهد و در حقیقت صحیح نیست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خود را دعوت کند هم چنان که فرمانده، نمی تواند به خود فرمان دهد و از آن جا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مباحله جز امیرالمؤمنین علیه السلام مردی دیگر را دعوت نکرده است ثابت می شود که علی علیه السلام همان نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند در کتابش به او توجّه کرده است و این حکم را در قرآنش آورده است. مأمون گفت: وقتی پاسخ (صحیح) آید سؤال و پرسش از بین می رود».

بوتری نفس رسول بر دیگران

محور اصلی و مرکزی بحث در آیه مباحله، پیرامون تفسیر «انفسنا» می باشد.

به طور قطع و یقین منظور از «انفسنا» در آیه مباحله، شخص حضرت علی علیه السلام است که نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شناخته شده است.

یعنی این علی علیه السلام است که در فضائل و کمالات و مقامات، هم چون پیامبر صلی الله علیه و آله است. با توجّه به این مطلب اگر قرار باشد پس از پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه و جانشینی برای آن حضرت از سوی خداوند انتصاب شود، آیا نباید شخصی انتخاب شود که هم طراز پیامبر، و نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد؟

و اگر با وجود چنین شخصی، اشخاص دیگری انتخاب شوند، آیا عقل چنین کاری را قبیح و زشت نمی‌شمرد؟

بنابراین، با تطبیق جمله «انفسنا» به شخص «علی بن ابی طالب علیهما السلام» می‌توان ولایت و امامت امیرمؤمنان و فرزندانش علیهم السلام را ثابت نمود^{۲۷}.

غدير از اسرار مباحله است

مرحوم میر حامد حسین رحمة الله علیه می نویسد:

حدیث غدير از اسرار آیه مباحله است چرا که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به تصریح آیه مباحله نفس حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، بنابراین حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیث غدير ثابت کرد برای جناب امیرالمؤمنین علیه السلام هر چیزی که ثابت بود برای خودشان.

و از جمله اموری که برای جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مؤمنین ثابت است، اولویت آن حضرت به تصرف در نفوس و اموال ایشان است، و نیز وجوب تبعیت و انقیاد آن حضرت در جمیع احکام و اوامر و نواهی برای مؤمنین ثابت است، پس این معنی برای جناب امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ثابت است، و این است عین امامت و خلافت، لا غیر.

و از جمله اموری که برای جناب رسالت‌مآب صلی الله علیه و آله ثابت بوده آن است که آن جناب اولی به مؤمنین، و سردار مؤمنین بود، و اولویت به مؤمنین و سرداری ایشان نیز عین امامت است^{۲۸}.

^{۲۷} . آیات ولایت در قرآن، ص: ۲۰۷.

^{۲۸} . عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، ج ۱۰، ص: ۳۵۴.

استناد أميرالمؤمنين عليه السلام به آیه مباهله

جریان مباهله با شرحی که گذشت، از حوادث قطعی و متواتر تاریخ اسلام است از این رو ائمه اطهار علیهم السلام در برخورد با مخالفان خود، همواره به آیه مباهله استناد و به آن مباهات و افتخار می نمودند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: وقتی مردم با ابوبکر بیعت کرده و با امام علی علیه السلام آن رفتار را نمودند، ابوبکر بسیار مایل بود رضایت خاطر آن حضرت را به هر ترتیب فراهم نماید، تا این که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرد: برای چه از من دل تنگ و ملول بوده و با نظر بغض و عداوت به من می نگری در حالی که من به خلافت میل و رغبتی نداشتم؟!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر به امر خلافت رغبت و میلی نداشتی، برای چه خود را به آن حاضر نموده و در این عمل پیش قدم شدی؟

ابو بکر گفت: به خاطر حدیثی بود که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «به راستی که خداوند امت مرا بر گمراهی و خطا جمع نمی کند»، و چون جمع ایشان را دیدم از همان فرمایش پیروی نموده و هرگز گمان نبردم که اجماع امت خلاف هدایت و از گمراهی باشد، و به همین خاطر تن به این تکلیف سپردم، و اگر می دانستم حتی يك نفر هم از این امر امتناع خواهد ورزید به طور مسلم از پذیرش آن خودداری می کردم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در خصوص حدیث مذکور در مورد اجماع امت از تو می پرسم که آیا من از افراد این امتم یا نه؟ گفت: آری. فرمودند: آن گروهی که از بیعت تو سر باز زدند چون سلمان

و أبوذّر و عمّار و مقداد و سعد بن عباده و دیگران؛ از امت بودند یا نه؟ أبو بکر گفت: آری همه از امت بودند.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: بنابراین چگونه با مخالفت این افراد به حدیث اجماع، احتجاج می کنی و حال این که تمام آنان از افراد صالح و پرهیزگار و از أصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند؟.

أبو بکر گفت: تخلف این افراد پس از تحقّق این امر بر من معلوم شد، و ترسیدم اگر از پذیرش آن امتناع ورزیده و خود را کنار بکشم اوضاع اجتماعی مسلمین به هم خورده و شاید غالب مردم مرتدّ شده و از دین خارج شوند، و پذیرش من بر این امر بهتر از آن بود که امت مسلمان به هرج و مرج گرائیده و به حالت کفر سابق خودشان عود نمایند، و فکر می کردم شما نیز در این باره با من موافق باشید.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: بسیار خوب، ولی پرسش من این است که شما در بار نخست روی چه اساسی و برای چه به این امر روی آوردید، و این که يك فرد روی چه شرائط و علل و جهاتی شایسته امر خلافت می شود؟

أبو بکر گفت: البتّه روی صفات خیرخواهی، وفای به عهد، صراحت لهجه، استقامت و حسن سیرت و عدالت و علم و آگاهی از کتاب و سنّت و حکمت و معرفت و زهد در دنیا و پرهیزگاری، و یاری و طرفداری از مظلوم و ستمدیده در دور و نزدیک.

أبو بکر چون به این کلام رسید ساکت شد.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: ای أبوبکر تو را به خدا سوگند می دهم، آیا در وجود خود این خصوصیات را می بینی یا در من؟. أبو بکر گفت: البتّه در شما می بینم ای أبو الحسن.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: تو را به خدا سوگند، آیا این من بودم که پیش از تمام امت به رسول اکرم جواب مثبت داد یا تو؟

گفت: بلکه شما.

تا به این مطلب رسیدند و فرمودند:

تو را به خدا سوگند، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط تو و اولاد و خانواده‌ات در برابر نصاری مباحله نمود، یا با من و فرزندان و خانواده من؟

أبو بکر گفت: البتّه توسط شما و خانواده‌اتان مباحله انجام شد.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: تو را به خدا سوگند، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر کساء برای من و خانواده و فرزندانم دعا کرد که «خداوندا، اینان اهل بیت منند، آنان را به سوی خود و بهشت رضوانت بخوان نه به آتش» یا برای تو و خانواده و فرزندان؟

أبو بکر گفت: برای شما و اهل بیت و فرزندانان دعا کرد.

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: تو را به خدا سوگند، آیا مراد از آیه **يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا** من هستم یا تو؟

أبو بکر گفت: البتّه شما....

امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: و به همین ترتیب حضرت أمیر علیه السّلام پیوسته مناقب منقول خود را که از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بود ایراد می نمودند، و أبو بکر همه آنها را تأیید می نمود تا به آن جا رسید که أبو بکر نزدیک بود خلافت را واگذار کند اما عمر او را منصرف نمود...^{۲۹}.

^{۲۹}. متن و ترجمه کتاب شریف احتجاج، ج ۱، ص: ۲۶۱

استناد به مباهله در یوم الشوری

هم چنین از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام تلاش شورای عمر را در بیعت با عثمان دید، برای اتمام حجّت و روشن شدن حقیقت برخاسته و فضائل و مناقب خود را بیان فرمودند و تک تک اعضای شورا تصدیق نمودند، اما با برنامه از پیش طراحی شده عمر در نهایت، مجلس به نفع عثمان تمام شد. یکی از فضائلی که امیرالمؤمنین علیه السلام در «یوم الشورا» مطرح فرمودند، فضیلت مباهله بود. آن جا که فرمودند:

گفتار مرا بشنوید و چنان چه آن حقّ و درست بود پذیرید و اگر باطل و نادرست بود آن را انکار کنید، سپس فرمودند:

شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی در میان شما هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست او و همسر و دو پسرش را گرفته باشد و برای **مباهله** با مسیحیان اهل نجران همراه خود ببرد؟
گفتند: نه... ۳۰.

استناد امام موسی بن جعفر علیهما السلام به آیه مباهله

در مناظره ای که بین امام موسی بن جعفر علیهما السلام با هارون صورت گرفت، هارون گفت:
علّت چیست که اجازه می دهید شما را منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و بگویند:
«ای فرزندان رسول خدا» با این که شما فرزندان علی می باشید، و آدمی تنها به پدر خود نسبت داده می شود، و پیامبر تنها جدّ مادری شما است؟

امام علیه السّلام فرمودند: اگر رسول خدا صلّی الله علیه و آله زنده شوند، و از دختر شما خواستگاری فرمایند آیا به آن حضرت پاسخ مثبت خواهید داد؟

هارون گفت: سبحان الله! چرا پاسخ مثبت ندهم، بلکه با این عمل بر همه عرب و عجم و قریش افتخار می‌کنم.

امام علیه السّلام فرمودند: ولی رسول خدا صلّی الله علیه و آله از دختر من خواستگاری نمی‌کنند. هارون لعنة الله علیه گفت: برای چه؟

امام علیه السّلام فرمودند: زیرا آن حضرت پدر من است و پدر شما نیست! هارون به وجد آمده و گفت: آفرین موسی! سپس گفت: علت این که خود را نسل و ذریّه پیامبر می‌خوانید چیست؛ با این که آن حضرت از خود نسلی باقی نگذاشت (یعنی فرزند پسر نداشت) و نسل آدمی از فرزندان پسر است نه فرزندان دختر، و شما اولاد دختر می‌باشید در حالی که دختر نسل ندارد؟!

امام علیه السّلام فرمودند: از شما به حقّ خویشاوندی درخواست می‌کنم؛ و به حقّ قبر و آن کس که در آن است (شاید مراد حضرت روضه مبارکه نبویّ باشد) شما را قسم می‌دهم که مرا از پاسخ به این پرسش معذور داری!.

هارون گفت: هرگز، حتماً باید شما اولاد علیّ، دلیل خود را اقامه کنید، و تو؛ بنابر اخباری که به من رسیده پیشوا و امام آنان در این روزگار هستی، و بدان که امکان ندارد در سوالاتم تو را معاف کنم، و دلیل آن باید از قرآن باشد، شما اولاد علیّ مدّعی هستید که هیچ کلمه و حرفی از قرآن بر شما پوشیده نیست و از تأویل تمامی آن با خبرید و مستند شما این آیه است: « ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ^{۳۱} » در کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده‌ایم» و با این آیه خود را از آراء و نظرات علماء و قیاس ایشان بی‌نیاز می‌دانید.

امام علیه السّلام سخن خود را با اَعُوذُ بِاللّٰهِ وَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و ذکر این آیه شروع کردند: «وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ کُلًّا هَدَیْنَا وَ نُوحًا هَدَیْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ وَ اٰیُّوبَ وَ یُوسُفَ وَ مُوسٰی وَ هَارُونَ وَ کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ وَ زَکَرِیَّا وَ یَحْیٰی وَ عِیْسٰی وَ اِلٰیاسَ کُلًّا مِنْ الصّٰلِحِیْنَ»^{۳۲}

[و از فرزندان او (حضرت نوح یا ابراهیم علیه السّلام)] داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [راه نمودیم]، و نیکوکاران را این چنین پاداش می‌دهیم* و نیز زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را.»

سپس فرمودند: ای هارون پدر عیسی کیست؟

گفت: عیسی پدر ندارد، فرمودند: خداوند در این آیه می‌فرماید: او را از راه مریم علیها السّلام به سایر اولاد پیامبران ملحق نمودیم، و به همین ترتیب ما نیز از طریق مادرمان فاطمه علیها السّلام به نسل رسول خدا صلیّ الله علیه و آله ملحق می‌گردیم، آیا بیشتر توضیح دهم؟ گفت: اگر دلیل دیگری هم داری بیاور.

امام کاظم علیه السّلام فرمودند: آیه شریفه مباحله: «پس هر که با تو، پس از آن دانشی که به تو رسید، درباره او (عیسی یا حقّ) ستیزه و جدل کند، بگو: بیایید تا ما و شما پسران خویش و زنان خویش و خودمان را بخوانیم، آن گاه دعا و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بگردانیم»

و تا حال کسی ادّعا نکرده که رسول خدا صلیّ الله علیه و آله هنگام **مباحله** با نصاری کسی را جز علیّ بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به همراه خود و در زیر ردای خود قرار داده‌اند، پس مراد از «أَبْنَاءَنَا» در آیه؛ حسن و حسین، و مراد از «نِسَاءَنَا» فاطمه، و «أَنْفُسَنَا» علیّ بن ابی طالب علیهم السلام می‌باشد.

هارون گفت: آفرین موسی...^{۳۳}.

^{۳۲} . سوره انعام، آیات ۸۴ و ۸۵.

^{۳۳} . متن و ترجمه کتاب شریف احتجاج، ج ۲، ص: ۳۵۳.

استناد به آیه مباحله توسط امام رضا علیه السلام

چون امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون حضور یافت و گروهی از دانشمندان عراق و خراسان هم در آن انجمن بودند، مأمون پرسید: آیا خداوند عترت را بر دیگران برتری داده؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: به راستی که خدای عزیز جبار عترت را بر دیگران برتری داده آن هم در کتاب محکم خود! مأمون گفت: در کجای کتاب خدا است؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: در قول خدای تعالی در آیات ۳۲ آل عمران و ۵۷ و ۵۹ نساء و ...

و نیز در آیه **مباحله** هنگامی که خداوند پاکان خلق خود را ممتاز کرد و در آیه **مباحله** پیغمبرش را فرمان داد و فرمود: بگو- ای محمد- بیائید تا بخوانیم پسران ما و پسران شما را و زنان ما و زنان شما را و خود ما و خود شما را سپس به درگاه خدا زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان مقرر داریم.

پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را آورده و آنان را با خود قرین ساخت. آیا می دانید معنی انفسنا و انفسکم چیست؟ علماء اهل سنت گفتند: مقصود خود آن حضرت است. امام رضا علیه السلام فرمودند: غلط گفتید! همانا مقصود از آن علی علیه السلام است، و يك دليلش گفته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. هنگامی که فرمودند: باید بنی ولیعہ (قبیله‌ای از یمن) باز ایستند و گر نه مردی بر سر آنها فرستم که چون خود من است، و مقصود ایشان علی علیه السلام بود، و این خصوصیتی است که احدی بر آن سبقت نگرفته، و فضیلتی است که بشری مخالف آن نیست، و شرفی است که هیچ کس بر آن پیشی نگرفته زیرا نفس علی را چون نفس خود قرار داده است^{۳۴}.

اعتراف مخالفان به این فضیلت قرآنی

^{۳۴}. تحف العقول ترجمه کمره‌ای، ص: ۴۵۱.

در بخش «فضائل الصّحابه» کتاب صحیح مسلم، به نقل از سعد بن ابی وقاص نقل شده که می‌گوید: به ملاقات معاویه رفتم، معاویه گفت: شنیده‌ام که تو علی را لعن نمی‌کنی! چرا علی بن ابی طالب را سب و ناسزا نمی‌گوئی؟

سعد در پاسخ خطاب به معاویه «لعنة الله عليه» گفت: من سه جمله از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام شنیده‌ام که مانع اجابت تقاضای تو در لعن او می‌شود:

اول: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم جنگ تبوک بود و علی را به عنوان جانشین خود در مدینه تعیین کرد، علی علیه السلام از آن حضرت پرسید: چرا مرا در مدینه می‌گذارید و به همراه خود به جنگ نمی‌برید؟ حضرت فرمودند:

«آیا راضی نیستی که نسبت تو به من همچون نسبت هارون به موسی باشد؛ همان گونه که هارون برادر و جانشین موسی بود، تو هم برادر و جانشین من هستی.»

دوم: در جنگ خیبر افراد مختلفی برای فتح قلعه خیبر رفتند و ناامید برگشتند تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«فردا پرچم را به مردی خواهم داد که از مبارزه خسته نمی‌شود و به دشمن پشت نمی‌کند!»

همه اصحاب منتظر بودند تا ببینند منظور حضرت کیست؟ پیامبر نگاهی به اصحاب نموده و همه را از نظر گذراندند، اما علی علیه السلام را ندیدند، سؤال فرمودند: علی کجاست؟

گفتند: او مبتلی به چشم درد است و مشغول استراحت می‌باشد.

فرمودند: «علی را حاضر کنید!»

علی علیه السلام به خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند، حضرت مقداری از آب دهانشان را به چشم علی علیه السلام مالیدند، چشم علی علیه السلام به برکت آب دهان پیامبر خدا

صلی الله علیه و آله و سلم و به اذن خدا خوب شد. سپس پرچم را به او دادند و علی علیه السلام قلعه خیبر را فتح کردند!

سوم: در داستان مباحله، پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام به استقبال مسیحیان نجران رفته و آماده مباحله شدند.

سعد پس از بیان مطالب فوق به معاویه گفت: معاویه! آیا با این فضائلی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد علی علیه السلام شنیده‌ام می‌توانم او را لعن کنم؟!

معاویه «لعنة الله علیه» ساکت شد و از گفته خود پشیمان گشت ۳۵.

نشانه های عظمت مباحله

سید بن طاووس رحمة الله علیه در خصوص عظمت روز مباحله می‌فرماید:

روز مباحله پیامبر اکرم صلوات الله علیه با نصارای «نجران»، روز بزرگی است که در بردارنده معجزات و کرامات فراوانی است. از جمله:

۱. روز مباحله، اولین بار بود که خداوند جلّ جلاله باب مباحله را که جداکننده حق از باطل است در آیین برتر اسلام گشود، پس از آن که منکران، استدلال‌ها و دلایل روشن را نپذیرفتند

۲. روز مباحله، اولین روزی است که سربلندی خداوند جلّ جلاله و رسول او صلوات الله علیه

آشکار گردید، زیرا اهل کتاب و اداری به پذیرش ذلت و پرداخت جزیه و تسلیم فرمان نبوی و خواست او شدند.

۳. روز مباحله، اولین روزی بود که سرآورده‌های نیروی الهی و قدرت نبوی بعد از استدلال به دلایل عقلی افراد را فراگرفت.

۴. روز مباحله، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مقامات بلند و اختصاصی اهل بیت علیهم السلام پرده برداشت.

۵. روز مباحله، روزی است که خداوند جلّ جلاله این حقیقت را روشن ساخت که امام حسن و امام حسین علیهما افضل السلام با وجود خردسالی، از اصحاب رسول خدا صلوات الله علیه و کسانی که در راه رسالت جهاد کردند، برای مباحله سزاوارتر هستند.

۶. روز مباحله، روزی است که خداوند جلّ جلاله این نکته را آشکار ساخت که دختر بزرگوار رسول خدا، حضرت فاطمه صلوات الله علیها در مقام مباحله، از دیگر همسران و حتی پیروان و افراد شایسته و مورد عنایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شایسته‌تر است.

۷. روز مباحله، روزی است که خداوند جلّ جلاله این حقیقت را بیان کرد که مولی علی بن ابی طالب جان رسول خدا صلوات الله علیهما و از معدن ذات و صفات او است و اراده او اراده رسول خدا است و این که اگرچه این دو بزرگوار از لحاظ صورت با هم متفاوت هستند، ولی معنا و حقیقت آن دو در تمام فضایل، وحدت دارد.

۸. روز مباحله، روزی است که خداوند جلّ جلاله همه کسانی را که از مقام مباحله مؤخر داشت، با داغ تأخر از کسانی که آنان را در مقام احتجاج و نشر معالم الهی مقدم داشت، نشانه گذاری کرد.

۹. روز مباحله، روزی است که تا آنجا که ما از احادیث و روایات صحیح سراغ داریم، هیچ روزی مشابه به آن پیش از آنکه چنین واقعه‌ای در آن رخ داده باشد، در اسلام نبوده است.

۱۰. روز مباحله، روزی است که زبان ادعای ادعاکنندگان لال گردید و خداوند آشکار ساخت که مباحله‌کنندگان و اهل بیت علیهم السّلام از تمامی تقرّب‌جویندگان به او از راه انجام طاعت و عبادت، نزد خداوند جلّ جلاله گرامی‌تر هستند.

۱۱. روز مباحله، روز تبیین برهان صادقی است که خداوند جلّ جلاله در آیات مقدس قرآن بدان دستور داده است.

۱۲. روز مباحله، روزی است که خداوند جلّ جلاله به عصمت اهل مباحله در طول عمرشان گواهی داد.

۱۳. روز مباحله برای تصدیق صاحب نبوت و رسالت، از تحدّی و هم آوردن طلبی قرآن رساتر، و دلالت آن از تحدی رسول اکرم صلوات الله علیه با قرآن آشکارتر است؛ زیرا مشرکان در برابر قرآن گفتند: لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا؛ [۲۵] (اگر می‌خواستیم، ما نیز می‌توانستیم مشابه آن سخن بگوییم اگرچه سخن آنان، بهتانی بیش نبود؛ ولی نصاری در برابر مباحله اقدام به انکار آن نکردند و به خاطر ظهور حجّت و نشانه‌های نبوت آن حضرت نتوانستند با او مباحله کنند.

۱۴. در روز مباحله خداوند با اظهار برتری مباحله‌کنندگان که به صفات الهی آراسته بودند، آتش جنگ را خاموش نمود و جان مسلمانان را از رنج و جهاد محفوظ داشت و آنان را از وقوع در خطر از دست دادن سر و جان رهانید و از ذلت جنگ و گرفتاری آزاد کرد.

سرانجام این‌که: بیان و زبان دل به ناتوانی و عجز خود در شرح کمالات روز مباحله اعتراف دارند^{۳۶}.

^{۳۶}. تشیید المراجعات و تفنید المکابرات، آیه الله میلانی، ج ۱، ص: ۴۴۶ به نقل از الإقبال الاعمال سید بن طاووس: ج ۲ ص ۳۶۳.

مشروعیت مباحله

طبق آن چه از برخی روایات فهمیده می شود، مسأله مباحله، اختصاص به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و آن هم در خصوص ماجرای مسیحیان نجران ندارد؛ بلکه افراد با ایمان نیز می توانند برای اثبات حقانیت اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام، مباحله کنند. طبق این روایات، ائمه اطهار علیهم السلام نه تنها این عمل را مشروع دانسته، بلکه بدان سفارش هم کرده‌اند.

مرحوم شیخ حر عملی در کتاب وسائل الشیعه بابتی را با عنوان « **بَابُ اسْتِحْبَابِ مُبَاهَلَةِ الْعَدُوِّ وَ الْخَصْمِ وَ كَيْفِيَّتِهَا وَ اسْتِحْبَابِ الصَّوْمِ قَبْلَهَا وَ الْغُسْلِ لَهَا وَ تَكَرُّرِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً** » باز و روایات مورد نظر را در آن جمع آوری نموده است.

دستور امام صادق علیه السلام به مباحله

ابی مسروق می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هر گاه با مخالفین مذهب، به آیه: " **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** " احتجاج می کنیم، می گویند در شان امرای جنگ نازل شده و آن گاه که به آیه: " **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ** ... " احتجاج می کنیم می گویند در باره مؤمنین نازل شده، و زمانی که به آیه: " **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** " استدلال می کنیم، می گویند در باره قریای مسلمین نازل شده (می گوید: هر دلیل دیگری در نظرم بود، برای امام ذکر کردم) امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی چنین بحث هایی پیش می آید و به چنین افرادی بر می خورید که حق را نمی پذیرند، با ایشان مباحله کنید. آن گاه امام علیه السلام روش مباحله و دعاهای آن را بیان فرمودند^{۳۷}.

مباحله بین شیعیان و نتیجه جالب آن

روایت شده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرزندش اسماعیل را بسیار دوست می داشت و در حق او دعای خیر می کرد، لذا بین دوستان اسماعیل و دوستان موسی بن جعفر علیهما السلام

^{۳۷} . الکافی، ج ۲، ص: ۵۱۳

مشاجره در گرفت، دوستان اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السّلام مقام امامت را برای اسماعیل ادعا کردند. دوستان موسی بن جعفر علیهما السّلام به آنان گفتند: راجع به این موضوع با ما **مباهله** کنید، به طرف صحرا رفتند تا **مباهله** نمایند، ابری بر سر آنان سایه افکند و برای دوستان حضرت موسی ابن جعفر علیهما السّلام باران ریخت ولی برای دوستان اسماعیل باران نریخت، یاران موسی بن جعفر علیهما السّلام نزد حضرت صادق علیه السّلام آمدند و این مژده را به آن بزرگوار دادند. به همین دلیل حضرت صادق علیه السّلام آنان را ممتوره نامید^{۳۸}.

اعمال روز مباهله

از آن جا که روز بیست و چهارم ذی الحجّه، روز مباهله پیامبر صلّی الله علیه و آله، با مسیحیان نجران، گواهی گویا بر حقانیت و درستی دعوت آن حضرت و عظمت شأن اهل بیت علیهم السلام است، به جهت تیمن و تبرک این روز که افزون بر نزول آیه شریفه ولایت، مباهله و تطهیر، سوره هل اتی هم در این روز نازل شده است، در منابع ادعیه و زیارات، اعمال مخصوصی برای این روز مبارک، با استناد به کلمات نورانی و حضرات معصومین علیهم السلام، ذکر شده است.

برخی اعمال روز مباهله عبارت است از:

- غسل
- روزه
- نماز و آن دو رکعت است مثل نماز روز عید غدیر در وقت و کیفیت و ثواب. و آیه الكرسي که در نماز مباهله است تا آخر آن (هر سه آیه) هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ است.
- خواندن دعای مباهله که شبیه به دعای سحرهای ماه رمضان است.
- خواندن دعایی که شیخ و سید روایت کرده‌اند بعد از دو رکعت نماز و هفتاد مرتبه استغفار و اول آن الحمد لله رب العالمین است.

^{۳۸} . ترجمه إثبات الوصية للإمام علي بن ابي طالب عليه السلام، ص ۳۵۹.

- صدقه دادن بر فقراء به جهت تاسی به مولا امیرالمؤمنین علیه السلام
- زیارت آن حضرت و خواندن زیارت جامعه مناسب تر است^{۳۹}.

و نیز سزاوار است مساجد و محافل مذهبی، مراکز علمی و فرهنگی و تبلیغی، رسانه ها و مطبوعات و... این روز را با شکوه و عظمت شمرده و این روز را به جشن و سرور و ذکر فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص دهند. برخی مجالس خانگی و بسیاری از هیئات و محله ها در روز مباحله مبادرت به پختن آش نذری و توزیع آن بین مردم و خواندن حدیث شریف کساء و ... می نمایند که سزاوار است این سنت حسنه در سراسر کشور ترویج و فراگیر شود. ان شاء الله

دعای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز مباحله

يا بَاعِثْ اِبْعَثْنِي شَهِيدًا صِدِّيقًا رَضِيًّا عَزِيْزًا حَمِيْدًا مُّغْتَبَطًا مَسْرُورًا مَشْكُورًا مَحْبُورًا، يا وَارِثُ تَرِثُ الْاَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَالسَّمَاوَاتِ وَسُكَّانَهَا وَجَمِيْعَ مَا خَلَقْتَ، فَوَرِّثْنِي حِلْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ^{۴۰}.

ای برانگیزاننده! مرا گواه، بسیار راستگو، بسیار خشنود، شکست ناپذیر، ستوده، مورد غبطه دیگران، شادمان، مورد سپاس، و مسرور برانگیزان. ای وارثی که زمین و هر که بر آن است، و آسمانها و ساکنان آن و همه آنچه را که آفریدی، به ارث می‌بری! مرا بردباری و دانش ببخش. تویی بهترین وارثان.

دعای روز مباحله

اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَ كُلُّ بَهَائِكَ بِهَيِّ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَ كُلُّ جَلَالِكَ جَلِيْلٍ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَ كُلُّ جَمَالِكَ جَمِيْلٍ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلَّهُ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةٌ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ

^{۳۹} . مفاتيح الجنان، اعمال روز مباحله.

^{۴۰} . الإقبال: ج ۲ ص ۳۶۳.

كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَ كُلُّ نُورِكَ نَيْرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي
فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَ كُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِّهَا وَ كُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ
كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَ كُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ
إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيْزَةٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ قُدْرَتِكَ
مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَعِهِ وَ كُلُّ عِلْمِكَ نَافِعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ وَ كُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا وَ
كُلِّهَا إِلَيْكَ حَبِيبُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا
وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَ كُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَ كُلُّ مُلْكِكَ فَاحِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا
أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلَاقَتِكَ بِأَعْلَاهُ وَ كُلُّ عِلَاقَتِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِعِلَاقَتِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَ كُلُّ آيَاتِكَ عَجِيْبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنْكَ بِأَقْدَمِهِ وَ كُلُّ مَنْكَ قَدِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنْكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّعُوْنِ وَ الْجَبْرُوْتِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَ كُلِّ جَبْرُوْتٍ اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
رِزْقِكَ بِأَعْمَمِهِ وَ كُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَيْهِ وَ كُلُّ
عَطَائِكَ هَنِيءٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَ كُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَ كُلِّ فَضْلِكَ فَاضِلًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ ابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ الْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةِ
مِنْ عَدُوِّهِ وَالْإِيْتِمَامِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ وَ
صَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرْفَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي وَ احْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي وَ كُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ النَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ مِنْ
كُلِّ بَلَاءٍ وَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُورٍ وَ مِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَ مِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ فَرْجٍ وَ
مِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَ مِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَ مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ
مِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي
هَذَا الشَّهْرِ وَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ دُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَ حَالَتْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ
غَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَ بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى وَ بِوَجْهِ
وَلِيِّكَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَ بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي مَا
مَضَى مِنْ دُنُوبِي وَ أَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُوذَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعْاصِيكَ
أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي وَ أَنَا لَكَ مُطِيعٌ وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تُخْتِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَ تَجْعَلَ لِي
ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَ أَنْ تَفْعَلَ لِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١.

^١ . مفاتيح الجنان، اعمال روز ٢٤ ذى الحجة و إقبال الأعمال، ج ١، ص: ٥١٧.

اشعار مباهله

میان باطل و حق باز هم مجادله شد
گذاشت پا به میان عشق ختم قائله شد
محمد آمد و اهل کساء را آورد
ورق ورق کتب کفر برگ باطله شد
محمد آمد و با پنج پاسخ محکم
جواب گوی هزاران هزار مسئله شد
چه دید اسقف نجران درون انجیلش؟
که بین راه پشیمان از این معامله شد
خدا به جهان حرف آخرش را زد
و حرف آخر او آیه مباهله شد ۴۲.

*

این ذکر مباهله است گویا و جلی است
حق اول و آخر است حق لم یزلی است
اثبات به حق بودن اسلام و رسول
جان حسنین و جان زهرا و علی است

*

اصل همه اصول بوده است علی

راه و روش وصول بوده است علی

آیات مباهله به من فهماندند

نَفَس و نَفَس رسول بوده است علی ۴۳.